



خواننده گرامی «مطالب تکمیلی» زیادی برای این کتاب آماده شده است. با اسکن بارکد و وارد کردن کد خراشی که داخل جلد همین کتاب (این روبه‌رو سمت راست) برایتان گذاشته‌ایم، به این مطالب دسترسی پیدا می‌کنید.

محتوای تکمیلی این کتاب



روزی نشست بر پاره‌سنگی
با انگشتانی گره‌کرده در زیر چانه‌اش
و خیره‌نگاهی تا بی‌انتهای

آرام آرام شرارِ وسوسه‌ای در رگ‌هایش دوید
و هُرمِ قدرتی سترگ، ساق‌های بی‌قرارش را در هم نوردید

ناگاه به پا خاست
و گام در راهی نهاد
بی‌انتهای

- انسان را می‌گویم -
او ناچارِ رفتن بود و یافتن
شاید به این امید که روزی، بر فراز قلّه‌ی دریافتن، پاتابه وا کند و یله بر چارطاقِ نیلی چرخ دهد.

تقدیم به شما و همه‌ی آن‌هایی که
برای «یافتن»

راهی جز «دریافتن» نمی‌شناسند.

سرشناسه: کردافشاری، محسن، ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآور: راه نهایی زبان انگلیسی سال دوازدهم/نویسنده محسن کردافشاری؛ بابک شارق
مشخصات نشر: تهران: دریافت، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۲۹×۲۲ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۳-۹۱-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۶۰۴۴

راه نهایی زبان انگلیسی سال دوازدهم

(جلد اول - درسنامه و واژه‌نامه)

نویسنده: محسن کردافشاری، بابک شارق

ناشر: نشر دریافت

صفحه‌آرا: فرناز صفی

ناظر چاپ: سعید حیدری

طراح جلد: ایمان خاکسار

نوبت و سال چاپ: دوم، ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۲۵۰۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۰۳۹۲

نشانی اینترنتی: www.Daryaftpub.com

پست الکترونیک: daryaftpub@gmail.com

دارد. پیکرد قانونی ناشر بدون مطالب

حق چاپ و نشر این کتاب متعلق به ناشر بوده و هرگونه کپی یا نقل مطالب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

عشق بنام یگانه

مقدمه نویسنده

و خدایی که به شدت کافیت!

دانش‌آموزان عزیز،

جلد نخست مجموعه "راه نهایی"، نقشه راه و سنگ بنای یادگیری شما برای دستیابی به تسلط کامل بر کتاب زبان انگلیسی و موفقیت در امتحان نهایی است. هدف ما در این جلد، ساختن یک پایه محکم و عمیق از تمام مفاهیم کتاب درسی است.

در این مسیر، ما با یک طبقه‌بندی دقیق، تمام محتوای آموزشی مورد نیاز شما را در قالب پنج مهارت کلیدی سازماندهی کرده‌ایم. در هر بخش از این کتاب، شما ابزارهای لازم برای فهم کامل درس را در اختیار خواهید داشت:

■ بانک لغات غنی و ترجمه‌های دقیق لغت به لغت و جمله به جمله برای تسلط بر واژگان.

■ توضیحات شفاف و کاربردی گرامری برای درک عمیق ساختارها.

■ راهنمای جامع برای بخش‌های رایتینگ (نگارش) و ریدینگ (درک مطلب) برای کسب مهارت در تولید و تحلیل متن.

■ ترجمه و متن کامل بخش‌های لیسنینگ (شنیداری) برای تقویت این مهارت کلیدی.

این کتاب، ابزار شما برای فهمیدن است؛ گام اول و ضروری در «راه نهایی» برای آنکه با دانش کامل و بنیادی محکم، آماده‌ی هر نوع سنجشی شوید.

و در پایان...

تمام تلاشمان بر این بود که این اثر را با حداقل ایرادها و کاستی‌ها ارائه دهیم، با وجود این امید است دبیران، استادان، صاحب‌نظران و همکاران دلسوز با نظرات و پیشنهادات ارزنده و سازنده خود ما را یاری دهند تا در آینده خدمت بهتری به جامعه علمی عرضه کنیم.

در اینجا فرصت را مغتنم شمرده مراتب قدردانی خودمان را از مدیر مسئول انتشارات دکتر هامون سبطی و زحمات بی‌دریغ خانم صفی مدیر واحد حروفچینی و صفحه‌آرایی و آقای یوسفی که در طراحی زیبای این کتاب و آیکون‌ها، نمادها و ... بسیار تلاش کردند اعلام و صمیمانه سپاسگزاری می‌نماییم.

فهرست

Lesson 2: Look it up!

۴۷

۴۸	لغات و اصطلاحات
۵۰	واژگان
۵۷	گرامر - بخش اول
۶۱	گرامر - بخش دوم
۶۴	رایتینگ
۷۱	لیسنینگ
۷۵	ریدینگ

Lesson 3: Renewable Energy

۸۸

۸۲	لغات و اصطلاحات
۸۴	واژگان
۹۵	گرامر - بخش اول
۹۷	گرامر - بخش دوم
۹۹	رایتینگ
۱۰۵	لیسنینگ
۱۰۹	ریدینگ

لغتنامه سال دهم

۵

۶	لغات و اصطلاحات درس ۱
۷	لغات و اصطلاحات درس ۲
۸	لغات و اصطلاحات درس ۳
۹	لغات و اصطلاحات درس ۴

لغتنامه سال یازدهم

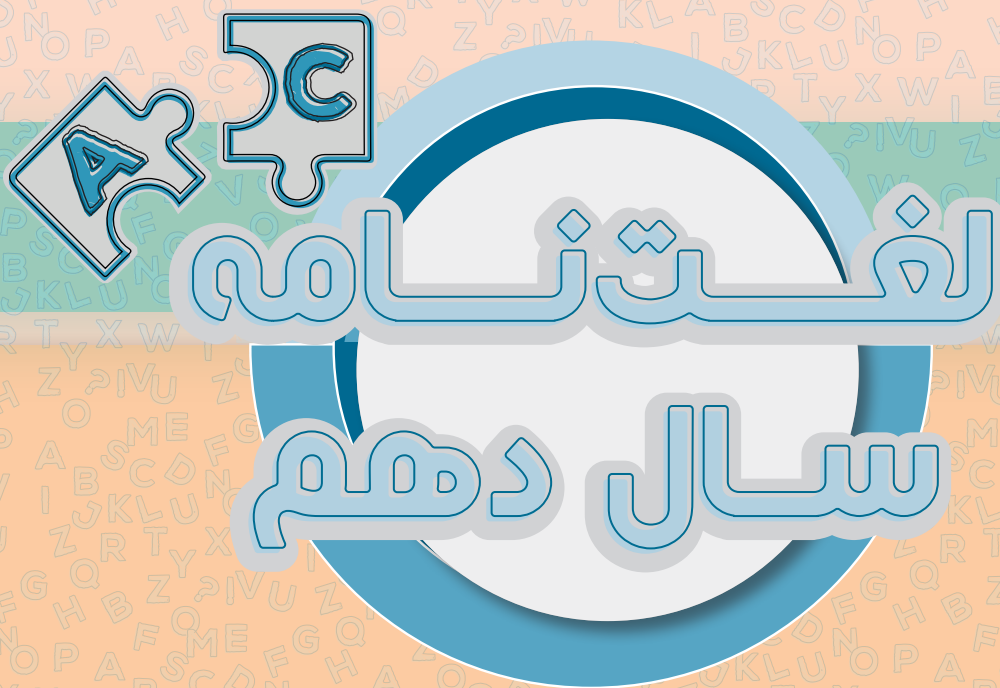
۱۰

۱۱	لغات و اصطلاحات درس ۱
۱۳	لغات و اصطلاحات درس ۲
۱۵	لغات و اصطلاحات درس ۳

Lesson 1: Sense of appreciation

۱۷

۱۸	لغات و اصطلاحات
۲۰	واژگان
۲۴	گرامر - بخش اول
۲۸	گرامر - بخش دوم
۳۴	رایتینگ
۳۷	لیسنینگ
۴۱	ریدینگ



دانش‌آموزان عزیز کلمات رنگی لغات مهم هستند.

A

alive زنده
amazing حیرت انگیز / فوق العاده
anymore دیگر / از این به بعد
average متوسط / معمولی / میانگین

B

boring خسته کننده / کسل کننده
bring آوردن

C

cut down قطع کردن / کم کردن
change into تبدیل کردن به / تغییر دادن
به
consider مورد توجه قرار دادن / در نظر گرفتن / به حساب آوردن

D

danger خطر
destroy ویران کردن / نابود کردن
die out منقرض شدن

E

earth زمین / خاک / خشکی
endangered در معرض خطر
especially مخصوصاً

F

for example برای مثال
forest جنگل
future آینده

H

hear شنیدن
hope امید / امیدواری / امیدوار بودن
hopeful امیدوار / امیدوار کننده
hopefully امیدوارانه / امیدوارم
human انسان
hunt شکار کردن
hunter شکارچی

hurt آسیب رساندن / درد کردن

helpful مفید / کمک کننده / دلسوز

I

idea فکر / تصور / نظر / عقیده
in this way به این ترتیب
increase افزایش دادن / زیاد کردن
injure مجروح کردن / آسیب رساندن
instead در عوض / به جای
interested علاقه‌مند
information اطلاعات

K

kill کشتن

L

lake دریاچه
living thing موجود زنده
lose باختن / گم کردن / از دست دادن
low کوتاه / کم عمق / پایین / کم
leave رفتن / ترک کردن / گذاشتن / جا گذاشتن

N

natural طبیعی
nature طبیعت / ذات / ماهیت
nowadays امروزه / این روزها
national ملی

P

pain درد
pay attention to توجه کردن به
plain دشت
plant گیاه / کاشتن
Protect محافظت کردن
put out خاموش کردن

R

recently اخیراً

S

safe ایمن / سالم / بی خطر / امن
save نجات دادن / پس انداز کردن / صرفه جویی کردن
span فاصله زمانی / طول / دوره

T

take care of مراقبت کردن از / رسیدگی کردن به / پرداختن به

V

voluntary داوطلب / داوطلبانه

W

wonderful عالی / فوق العاده / شگفت آور

لغتنامه
سال یازدهم

دانش‌آموزان عزیز کلمات رنگی لغات مهم هستند.

A

ability توانایی / قابلیت
absolutely کاملاً / مطلقاً / حتماً
according to بر طبق / به گفته
additional اضافی / بیشتر / دیگر
almost تقریباً
around این دور و بر / همین نزدیکی
at last سرانجام
available موجود / در دسترس
access دسترسی / ورود
add اضافه کردن
appear ظاهر شدن / به‌نظر رسیدن
area منطقه / ناحیه / قسمت / بخش

B

based on براساس / بر مبنای
belief اعتقاد / باور / خیال / اعتماد
besides علاوه بر / به علاوه
broadcasting پخش / اجرای برنامه
be afraid ترسیدن / متاسفانه
brain مغز

C

candle شمع
century قرن
communicate تماس برقرار کردن / منتقل کردن / بیان کردن
communication ارتباط / انتقال
continent قاره
cultural فرهنگی
certainly مطمئناً
classmate همکلاسی
confident مطمئن / اطمینان بخش
consider در نظر گرفتن / به حساب آوردن

D

deaf ناشنوا / بی اعتنا
despite فرهنگ / پرورش / تربیت
die out منقرض شدن / نابود کردن
difference تفاوت / اختلاف نظر
disappear ناپدید شدن / برطرف شدن
decide تصمیم گرفتن / تعیین کردن

E

endangered در معرض خطر
exchange مبادله کردن / عوض کردن
exist وجود داشتن / زنده بودن
experience تجربه / تجربه کردن
explain توضیح دادن
explanation توضیح / شرح
escape فرار کردن

F

farming کشاورزی / زراعت / دامداری
favorite مورد علاقه / مطلوب
fluently روان / با فصاحت
foreigner خارجی
frequently زیاد / فراوان / به دفعات

G

grade نمره / درجه / میزان
grass علف / چمن‌زار
greatly بسیار زیاد / به شدت

H

host میزبان / مجری بودن
hint توصیه / اشاره / راهنمایی

I

imagine تصور کردن / فکر کردن
institute موسسه / انجمن / نهاد

interest علاقه / کشش / منفعت
interesting جالب / گیرا
interestingly جالب است که
interview مصاحبه کردن / مصاحبه
improve پیشرفت کردن / بهبودی یافتن
improvement پیشرفت / بهبودی
item فقره / بخش

K

keep off پرهیز کردن / وارد جایی نشدن

L

largely عمدتاً
live زنده / روشن / سرزنده
loaf قرص نان
luckily خوشبختانه
label برچسب

M

make up ساختن / تشکیل شدن
means وسیله / راه / روش / شیوه
meet the needs برآورده کردن نیازها
mental ذهنی / روانی
mind ذهن
mother tongue زبان مادری
mainly عمدتاً
mistake اشتباه
make sure مطمئن شدن
media رسانه‌ها
mention ذکر کردن / اشاره کردن

N

native بومی / محلی
nearly تقریباً
news اخبار





◎ Sense of appreciation

واژگان

آدرس: کتاب درسی - درس اول - صفحه ۱۵

Sense	of	appreciation
حس	=	قدردانی
حس قدردانی و تشکر		

Interesting	Facts
جالب	حقایق
حقایق جالب	

Helping	others	lowers	blood	pressure
کمک کردن	(به) دیگران	پایین می آورد	خون	فشار
کمک کردن به دیگران فشار خون را پایین می آورد.				

Kindness	boosts	energy	and	strength	in	elderly	people.
مهربانی	افزایش می دهد	انرژی	و	قدرت	در	مسن	مردم / افراد
مهربانی انرژی و قدرت را در افراد مسن افزایش می دهد.							

Teenagers	who	help	others	are	more	successful	in	life.
نوجوانان	که	کمک می کنند	(به) دیگران	هستند	تر (بیشتر)	موفق	در	زندگی
نوجوانانی که به دیگران کمک می کنند در زندگی موفق تر هستند.								

Listening	to	the advice	of	older	people	improves	our	lives.
گوش دادن	به	نصیحت	=	مسن	مردم / افراد	بهبتر می کند	مان	زندگی ها
گوش دادن به نصیحت افراد مسن زندگی هایمان را بهتر می کند.								

Taking care	of	grandchildren	increases	brain	function	and	memory.
مراقبت کردن	از	نوه ها	افزایش می دهد	مغز	عملکرد	و	حافظه
مراقبت کردن از نوه ها عملکرد مغز و حافظه را افزایش می دهد.							

Get ready

آدرس: کتاب درسی - درس اول - صفحه ۱۷

Children	should	respect	their	parents.
کودکان	باید	احترام بگذارند	شان	والدین
کودکان باید به والدینشان (والدین خود) احترام بگذارند.				

We	have to	take care	of	elderly	people.	Family	members	should	listen	to	each other.
ما	باید	مراقبت کنیم	از	مسن	مردم / افراد	خانواده	اعضا	باید	گوش دادن	به	یکدیگر
ما باید از افراد مسن مراقبت کنیم.						اعضای خانواده باید به یکدیگر گوش فرا دهند.					

We	can	help	many	people	by	donating	what	they	need.
ما	می توانیم	کمک کنیم	زیادی	مردم / افراد	با	اهدا کردن	آنچه	آنها	نیاز دارند
ما می توانیم با اهدا کردن آنچه نیاز دارند، به افراد زیادی کمک کنیم.									



Lesson 1: Sense of appreciation

Conversation

آدرس: کتاب درسی - درس اول - صفحه ۱۹

Sara	has been	in the	children's	medical	center	for	a	week.
سارا	بوده است	در	کودکان	طبی / درمانی	مرکز	به مدت	یک	هفته

سارا به مدت یک هفته در مرکز درمانی کودکان بوده است.

She	has caught	a	terrible	flu.	The doctor	told	her	to	stay	there	to	get	better.
او	گرفته است	یک	شدید / بسیار بد	آنفلوآنزا	دکتر	گفت	به او	که	بماند	آنجا	که	شود	بهتر

دکتر به او گفت که در آنجا (مرکز درمانی کودکان) بماند تا بهتر شود. او آنفلوآنزای شدیدی گرفته است.

There is	a	photograph	of	an	old	man	on the wall.
وجود دارد	یک	عکس	از	یک	پیر	مرد	روی دیوار

یک عکس از یک پیرمرد روی دیوار وجود دارد.

While	the nurse	is taking	her	temperature,	they	start	talking.
هنگامی که	پرستار	(اندازه) می گیرد	او	دما	آنها	شروع می کنند	صحبت کردن

هنگامی که پرستار در حال اندازه گرفتن دمای بدن او (سارا) می باشد، آنها شروع به صحبت می کنند.

Excuse me,	who	is	that	man	in	the picture?
ببخشید	چه کسی؟	است	آن	مرد	در	عکس

ببخشید، آن مرد در عکس کیست؟

Oh	don't	you	know	him?	Have	you	ever	heard	of	Dr. Mohammad Gharib?
اوه!	(منفی کننده فعل)	تو / شما	شناختن	او را	آیا	تو / شما	تا بحال	شنیده ای؟	از / در مورد	دکتر محمد قریب

آیا تا بحال در مورد دکتر محمد قریب شنیده اید؟ اوه! شما او را نمی شناسید؟

I	guess	I	have only seen	his	name	in	my	English	book.	but	i'm not	sure	about	it.
من	حدس می زنم	من	فقط دیده ام	او را	نام / اسم	در	ام	کتاب	انگلیسی	اما	نیستم	مطمئن	درباره	آن

اما در مورد آن مطمئن نیستم. من حدس می زنم که فقط نام او را در کتاب انگلیسی ام دیده ام.

Dr. Gharib	was	a	famous	physician.
دکتر قریب	بود	یک	معروف	پزشک

دکتر قریب یک پزشک معروف بود.

Oh,	can	you	tell	me	a little	about	his	life?
اوه	می توانید	شما	بگویید	به من	کمی	درباره	او	زندگی

اوه، آیا می توانید کمی در مورد زندگی او به من بگویید؟

Dr. Gharib	was born	in	Tehran	in	1288.
دکتر قریب	به دنیا آمد	در	تهران	در	۱۲۸۸

دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران به دنیا آمد.

After	receiving	his	diploma,	he	went	abroad	to study	medicine.
بعد از	دریافت	اش	دیپلم	او	رفت	خارج	تحصیل	پزشکی

او پس از دریافت مدرک دیپلمش، برای تحصیل در رشته پزشکی به خارج از کشور رفت.

In	1316	he	became	a	physician	and	then	came back	to	his	hometown
در	سال ۱۳۱۶	او	شد	یک	پزشک	و	سپس	بازگشت	به	اش / خود	وطن

او در سال ۱۳۱۶ پزشک شد و سپس به وطنش بازگشت.

In 1347	this	center	was founded	by	Dr. Gharib	and	one	of	his	close	friends.
در ۱۳۴۷	این	مرکز	تاسیس شد	توسط	دکتر قریب	و	یکی	از	اش	نزدیک	دوستان

این مرکز در سال ۱۳۴۷ توسط دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش تاسیس شد.



سارا	Really?	I	didn't know	that.
	واقعاً؟	من	نمی‌دانستم	آن را
	واقعاً؟ من آن را نمی‌دانستم.			

پرستار	Dr. Gharib	was	also	a	generous	man.	He	spared	no	pains	to	cure	sick	children.
	دکتر قریب	بود	نیز/همچنین	یک	بخشنده	مرد	او	هیچ	دریغ	کردن	زحمت/	درمان	بیمار/مريض	کودکان
	دکتر قریب مرد سخاوتمندی نیز بود.						او برای درمان کودکان بیمار از هیچ تلاشی دریغ نکرد.							
	He	was	very	friendly	and	helpful	to		poor	families.				
	او	بود	بسیار	دوستانه	و	کمک کننده	با / در برابر		فقیر	خانواده‌ها				
	او با (در برابر) خانواده‌های فقیر بسیار دوستانه و کمک کننده بود.													
	Not surprisingly,	he	was regarded		as	a	dedicated		physician.					
	جای تعجب نیست که		او	تلقی میشد / یاد میشد		به عنوان		یک	متعهد /دلسوز		پزشک			
جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک دلسوز تلقی میشد (مورد توجه قرار می گرفت).														

سارا	It's a pity!	I	didn't know	such a	great	man.
	حیف! / چه حیف!	من	نمی‌شناختم	چنین	بزرگ	مرد
	حیف! من چنین مرد بزرگی را نمی‌شناختم.					

پرستار

He	was known	as	a	distinguished	university professor,	too.	
او	شناخته‌می‌شد	به عنوان	یک	برجسته	استاد دانشگاه	نیز	
او به عنوان یک استاد دانشگاه برجسته نیز شناخته می‌شد.							
The first	Persian textbook	on	children's	diseases	was written	by	him.
اولین	کتاب درسی فارسی	درمورد	کودکان	بیماری‌های	نوشته شده بود	توسط	او
اولین کتاب درسی فارسی درمورد بیماری‌های کودکان توسط وی نوشته شده است.							
He	taught	medicine	to	thousands of	students.		
او	آموخت / یاد داد	پزشکی	به	هزاران	دانشجو(دانشجویان)		
او به هزاران دانشجو پزشکی آموخت.							

سارا	Oh	what a	great	man	he	was!
	اوه	چه	بزرگ	مرد	او	بود
	اوه! (او) چه مرد بزرگی بود!					

پرستار	By the way,	it	might be	interesting	to know	that	your	physician	was	one	of	Dr. Gharib's students!
	راستی،...	این	شاید باشد	جالب	که بدانید	که	ات	پزشک	بود	از یکی		دانشجویان دکتر قریب
	راستی، شاید (برای شما) جالب باشد بدانید که پزشک شما یکی از دانشجویان دکتر قریب بود.											

Sara	Really?!	That's (That is)	Interesting!
	واقعاً؟!	(آن) است	جالب
	واقعاً؟! جالبه!		

Questions

➤ آدرس: کتاب درسی - درس اول - صفحه ۲۰

1	When	was	Dr. Gharib	born?
	چه موقع؟ (کی؟)	بود	دکتر قریب	متولد
	دکتر قریب کی متولد شد؟			

2	Why was Dr. Gharib regarded as a kind physician?						
	Why	was regarded	Dr. Gharib	as	a	kind	physician?
	چرا	تلقى می‌شد	دکتر قریب	به عنوان	یک	مهربان	پزشک
	چرا دکتر قریب به عنوان یک پزشک مهربان تلقی می‌شد؟						



New Words and Expressions

آدرس: کتاب درسی - درس اول - صفحات ۲۱ و ۲۲

Hamid	sits	on the	sofa	and	watches	TV	all the time.
حمید	می‌نشیند	روی	مبل	و	تماشای	تلویزیون	تمام وقت

حمید روی مبل می‌نشیند و تمام وقت تلویزیون تماشا می‌کند.

My	grandfather	feeds	the pigeons	in the	park	every	morning.
ام	پدربزرگ	غذای	کبوتران	در	پارک	هر	صبح

پدربزرگ من هر (روز) صبح، به کبوتران در پارک غذا می‌دهد.

Dad	really	shouted	at me	when	I	didn't do	my	homework.
پدر	واقعاً	داد زد	بر من (سر من)	وقتی	من	انجام ندادم	ام / خود	تکلیف

وقتی تکالیفم را انجام ندادم، پدرم واقعاً سر من داد زد.

We	have to	speak	louder	because	my	grandmother	is	hard of hearing.
ما	باید	صحبت کنیم	بلندتر	چون / زیرا	ام	مادربزرگ	است	گوشش سنگین است

ما باید بلندتر صحبت کنیم، زیرا مادربزرگم گوشش سنگین است.

Ferdowsi	was born	in	a	village	near	Toos.
فردوسی	متولد شد	در	یک	روستا	نزدیک	توس

فردوسی در روستایی در نزدیکی شهر توس متولد شد.

My	uncle	went	to	his	son	and	hugged	him.
ام	عمو / دایی	رفت	پیش / نزد	اش	پسر	و	بغل کرد	او را

عمویم (دایی ام) به نزد پسرش رفت و او را بغل کرد (در آغوش گرفت).

My	little	sister	sits	on	my	mother's	lap	all the time.
ام	کوچک	خواهر	می‌نشیند	روی	ام	مادر	دامان / روی پا	همیشه

خواهر کوچکم همیشه روی پای مادرم می‌نشیند.

آدرس: کتاب درسی - درس اول - صفحه ۲۳

burst into tears:			to cry suddenly			
ناگهان گریه کردن / ترکیدن بغض / ناگهان زیر گریه زدن						
Aida	burst into tears	when	she	saw	her	score.
آیدا	بغضش ترکید	وقتی	او	دید	اش	نمره
آیدا وقتی نمره‌اش را دید، بغضش ترکید (ناگهان گریه‌اش گرفت).						

repeatedly:				many times				
مکرراً / چندین بار / بارها								
I	have told	Mohsen	repeatedly	to talk	politely	to	his	teachers.
من	گفته‌ام	محسن	بارها	صحبت کند	مودبانه	که	اش / خود	معلمان
من به محسن بارها گفته‌ام که با معلمانش مودبانه صحبت کند.								

forgive:			to stop being angry with someone		
(کسی را) بخشیدن			از دست کسی عصبانی نبودن		
Mom	forgave	me	for	breaking	the vase.
مادر / مامان	بخشید	من (من را)	به خاطر	شکستن	گلدان
مامان به خاطر شکستن گلدان من را بخشید.					

calmly:			in a quiet way		
به آرامی / با آرامش			با حالتی آرام		
He	always	speaks	slowly	and	calmly.
او	همیشه	صحبت می کند	آهسته	و	آرام
او همیشه آهسته و آرام صحبت می کند.					



diary				To keep a diary			
دفترچه خاطرات، کتاب خاطرات				داشتن دفتر خاطرات / نگهداری دفترچه خاطرات			
A	book	in	which	you	record	your	thoughts
یک	کتاب	در (آن)	که	تو / شما	ثبت می کنید	ات / تان	افکار
or	feelings	or	what	has happened	every	day.	
یا	احساسات	یا	چیزی که	اتفاق افتاده است	هر	روز	
کتابی که در آن شما افکار و احساسات خود، و آنچه که هر روز (برایتان) اتفاق افتاده است را ثبت می کنید.							
I	have kept	a	diary	for	twelve	years.	
من	نگه داشته ام	یک	دفتر خاطرات	به مدت	دوازده	سال	
من یک دفتر خاطرات را به مدت ۱۲ سال است که دارم (نگه داشته ام).							

Vocabulary Development - Collocations

آدرس: کتاب درسی - درس اول - صفحات ۲۷ و ۲۸

Quick meal	غذای حاضری / غذای سریع	Take temperature	اندازه گرفتن دما
Fast food	فست فود	Go abroad	به خارج رفتن
Strong wind	باد شدید	Spare no pains	از هیچ تلاشی دریغ نکردن
Heavy rain	باران شدید	Not surprisingly	جای تعجب نیست / تعجب ندارد
Make a mistake	اشتباه کردن	By the way	راستی / در ضمن
Do exercise	ورزش کردن	Burst into tears	ترکیدن بغض / ناگهان گریه کردن
Read a newspaper	روزنامه خواندن	Do homework	انجام دادن تکلیف (تکالیف)
Sit on the sofa	روی مبل نشستن	Give presentation	سخنرانی کردن (ارائه دادن)
Hard of hearing	مشکل شنوایی، کم شنوا	Regular exercise	ورزش منظم
Feel well	حس خوب داشتن	Healthy diet	رژیم سالم

گرامر - بخش اول

دنباله سوالی یا سوالات ضمیمه (Tag Questions)

سوالی کوتاه (سوال ضمیمه) چیست؟

سوالات ضمیمه به جمله‌هایی گفته می‌شود که یک جمله سوالی کوتاه در انتهای جمله خبری به کار رود. در سوال ضمیمه از:

الف: فعل کمکی (am/is/are/was/were/can/could/will/would/should/must/do/does/did)

ب: ضمیر فاعلی (I/you/he/she/it/we/they)

استفاده می‌شود.

می‌توان گفت سوال ضمیمه در زبان انگلیسی معادل "مگر نه؟" و "درسته؟" در زبان فارسی هستند.

You are tired, aren't you? شما خسته‌اید، مگه نه؟

ساختار سوال کوتاه چیست؟

❶ **بعدها نگیں نگفتما!**

سوال ضمیمه به دو صورت ساخته می‌شود:

الف) اگر جمله خبری مثبت باشد، سؤال ضمیمه منفی خواهد بود. یعنی:

● بعد از پایان جمله اول کاما (,) می‌گذاریم.

● متناسب با زمان و فاعل جمله، فعل کمکی را به صورت منفی و مخفف می‌نویسیم.

● فاعل جمله را به صورت ضمیر فاعلی در آخر می‌نویسیم و سپس علامت سوال قرار می‌دهیم.



Lesson 1: Sense of appreciation

ضمایر فاعلی	
I	We
You	You
He / She / It	They

ضمیر فاعلی + ؟	فعل کمکی منفی (مخفف)	جمله مثبت
he?	isn't	Sina is sad,
سینا ناراحت است، مگه نه؟		

ب) اگر جمله خبری منفی باشد، سؤال ضمیمه مثبت خواهد بود. یعنی:

- بعد از پایان جمله اول کاما (,) می‌گذاریم.
- متناسب با زمان و فاعل جمله، فعل کمکی را به صورت مثبت می‌نویسیم.
- فاعل جمله را به صورت ضمیر فاعلی در آخر می‌نویسیم و سپس علامت سوال قرار می‌دهیم

ضمایر فاعلی	
I	We
You	You
He / She / It	They

ضمیر فاعلی + ؟	فعل کمکی مثبت	جمله منفی
he?	Is	Sina is not sad,
سینا ناراحت نیست، درسته؟		

به مثال‌های زیر توجه کنید:

Example I: Hamid is from France, **isn't he?** (مگه نه؟) (حمید اهل فرانسه است، مگه نه؟)

توضیح: یک جمله مثبت، سؤال ضمیمه منفی می‌گیرد که در این حالت بعد از جمله اصلی، ابتدا **فعل کمکی منفی و مخفف** می‌آوریم (**isn't**) سپس **ضمیر فاعلی (he)** به کار می‌رود.

Example II: The girls **are not** weaving a carpet, **are they?** (درسته؟) (دخترها در حال بافتن فرش نیستند، درسته؟)

توضیح: در گرامر زبان انگلیسی یک جمله منفی، سؤال ضمیمه مثبت می‌گیرد که در این حالت بعد از جمله اصلی، ابتدا **فعل کمکی مثبت (are)** می‌آوریم سپس **ضمیر فاعلی (they)** به کار می‌رود.

Example III: Zohre plays volleyball, **doesn't she?** (مگه نه؟) (زهره والیبال بازی می‌کنه، مگه نه؟)

توضیح: در سوالات ضمیمه، وقتی که فعل جمله اصلی در زمان حال ساده است، ما از **do / does** برای سؤالی کردن استفاده می‌کنیم. یک جمله مثبت، سؤال ضمیمه منفی می‌گیرد که در این حالت بعد از جمله اصلی، ابتدا **فعل کمکی منفی و مخفف** می‌آوریم (**doesn't**) سپس **ضمیر فاعلی (she)** به کار می‌رود.

Example IV: They **don't go** to restaurant, **do they?** (مگه نه؟) (آنها به رستوران نمی‌روند، مگه نه؟)

توضیح: در گرامر زبان انگلیسی یک جمله منفی، سؤال ضمیمه مثبت به کار می‌رود که در این حالت بعد از جمله اصلی، ابتدا **فعل کمکی مثبت (do)** می‌آوریم سپس **ضمیر فاعلی (they)** به کار می‌رود.

پس به طور کلی در گرامر زبان انگلیسی برای یک جمله مثبت، یک سوال ضمیمه منفی به کار می‌رود. جدول زیر مثال خوبی برای درک بهتر این موضوع است.

سوال ضمیمه منفی	جمله مثبت
, isn't he?	He's writing an email
, aren't they?	Hamid's parents are going to Hamedan
, wasn't he?	Dr. Gharib was a famous physician
, weren't they?	The girls were weaving a carpet
, haven't they?	The boys have broken the window
, hasn't she?	Your sister has passed the exam



سوال ضمیمه منفی	جمله مثبت
, didn't they?	They went to school
, won't he?	His father will buy a new car
, don't they?	My parents go abroad every summer
, doesn't she?	Her sister speaks French well
, can't we?	We can speak English well

و همچنین برای یک جمله منفی، یک سوال ضمیمه مثبت به کار می‌رود. جدول زیر مثال خوبی برای درک بهتر این موضوع است.

سوال ضمیمه مثبت	جمله منفی
, is he?	He's not writing an email
, are they?	Hamid's parents are not going to Hamedan
, was he?	Dr. Gharib was not a famous physician
, were they?	The girls weren't weaving a carpet
, have they?	The boys haven't broken the window
, has she?	Your sister has not passed the exam
, did they?	They didn't go to school
, will he?	His father won't buy a new car
, do they?	My parents don't go abroad every summer
, does she?	Her sister doesn't speak French well
, can we?	We can't speak English well

❓ **بِرا نَکین نَگفتما!**

تعدادی نکته هستند که در مورد سوالات کوتاه (سوال ضمیمه) باید بدانید:

- ۱- زمان در سؤال کوتاه (ضمیمه) باید حتماً با زمان جمله ماقبل خود مطابقت داشته باشد.
- ۲- اگر جمله اصلی در سوالات کوتاه (سوال ضمیمه) با **There** شروع شود، در سؤال ضمیمه به جای ضمیر فاعلی از **There** استفاده می‌شود. مثال:

There was a lot of traffic in the street, **wasn't there?**

ترافیک زیادی در خیابان وجود داشت، مگه نه؟

۳- درسوالات کوتاه (سوال ضمیمه) به جای **this** و **that** از **it** و به جای **these** و **those** از **they** استفاده می‌کنیم.

This is a simple way to save electricity, **isn't it?**

این یه روش ساده‌ای برای صرفه جویی برق است، مگه نه؟

Those are expensive candles, **aren't they?**

آنها شمع‌های گرانی هستند، مگه نه؟

۴- در جملاتی که کلمات زیر وجود دارد، جملات منفی در نظر گرفته می‌شوند چون این کلمات "بار منفی" دارند. پس سوالات کوتاه (سوال ضمیمه) آن‌ها را به صورت مثبت به کار می‌بریم.

(No/nothing/nobody/no one/never/rarely/hardly/few/little)

There is little water in the glass, **is there?**

آب خیلی کمی‌توی لیوان وجود دارد، درسته؟

That old woman has no money, **does she?**

آن پیرزن پیر هیچ پول ندارد، درسته؟

No picture is allowed, **is it?**

هیچ عکسی مجاز نیست، درسته؟

There is nothing wrong, **is there?**

هیچ مشکلی نیست، درسته؟

Hamid never says a word, **does he?**

حمید یک کلمه هم نمی‌گوید، درسته؟

۵- در جملات پیچیده (complex sentences) که از دو قسمت یعنی جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) تشکیل شده‌اند، سوالات کوتاه (سوال ضمیمه) را از جمله پایه می‌سازیم. برای مثال در جملات شرطی که یک نوع جمله پیچیده است، سوالات کوتاه (سوال ضمیمه) را از جواب شرط می‌سازیم نه از جمله شرط.

If they study hard,	they will succeed	, won't they?
جمله وابسته	جمله هسته (پایه)	سوالات کوتاه (سوال ضمیمه) از جمله هسته (پایه) ساخته می‌شود.



Lesson 1: Sense of appreciation

استثنا: چنانچه در جملات پیچیده، جمله هسته (پایه) با اول شخص مفرد شروع شود یعنی (I) سوالی کوتاه را از جمله وابسته می‌سازیم در واقع سوال کوتاه در چنین حالتی از جمله مهمتر، ساخته می‌شود.

I've heard that **he's sick, isn't he?**

شنیدم که او بیمار است، مگه نه؟

توضیح: در این مثال جمله هسته (I've heard) با اول شخص مفرد شروع شده است یعنی (I). بنابراین سوالی کوتاه را از جمله وابسته می‌سازیم در واقع سوال کوتاه در چنین حالتی از جمله مهمتر ساخته می‌شود.

۶- زمان گذشته برخی از افعال، با زمان حال آن‌ها از نظر ظاهری هیچ تفاوتی ندارد مانند:

Meaning معنای مصدری	Base form قسمت اول فعل	Past simple قسمت دوم فعل (گذشته)	Past participle قسمت سوم فعل (اسم مفعول)
گذاشتن	put	put	put
اجازه دادن	let	let	let
خواندن	read	read	read
بریدن، قطع کردن	cut	cut	cut
صدمه زدن	hurt	hurt	hurt
قیمت داشتن	cost	cost	cost
تنظیم کردن، غروب کردن	set	set	set
بستن	shut	shut	shut
زدن	hit	hit	hit
ترکیدن	burst	burst	burst
منتشر کردن، منتشر شدن	spread	spread	spread

در این حالت، اگر قید زمان در جمله نداشته باشیم، نمی‌توانیم از روی فعل، زمان گذشته یا زمان حال آن‌ها را تشخیص دهیم:

They put the candle on the table.

در این مثال زمان جمله معلوم نیست مگر اینکه فاعل جمله سوم شخص مفرد باشد که در این حالت اگر این افعال (S) سوم شخص مفرد داشته باشند، بیانگر زمان حال می‌باشند و سوالی کوتاه آن‌ها با فعل کمکی **does/doesn't** ساخته می‌شود ولی اگر (S) سوم شخص نداشته باشند، در زمان گذشته می‌باشند و سوالی کوتاه آن‌ها با فعل کمکی **did/didn't** ساخته می‌شود.

زمان حال ساده:

He **puts** the candle on the table, **doesn't he?** (او شمع را روی میز می‌گذارد، مگه نه؟)

زمان گذشته ساده:

He **put** the candle on the table, **didn't he?** (او شمع را روی میز گذاشت، مگه نه؟)

۷- در سؤال کوتاه (سوال ضمیمه) منفی بعد از **I am** باید از عبارت **aren't I** یا **am I not** استفاده کنید. مثال:

I'm on time, **aren't I?**

اَما ...

I'm not late, **am I?**

۸- برای کلماتی نظیر **somebody** و **someone** و **nobody** و **everybody** و **no one** و ... در سوالی کوتاه از ضمیر فاعلی **they** استفاده می‌شود در حالی که برای کلمات **nothing** و **everything** و ... از ضمیر فاعلی **it** استفاده می‌شود.

Somebody is on the phone, **aren't they?**

توضیح: در گرامر زبان انگلیسی یک جمله مثبت، سؤال ضمیمه منفی می‌گیرد. در این حالت برای کلمه **somebody** از ضمیر فاعلی **they** استفاده می‌کنیم که در این صورت به جای **is** باید از فعل **are** استفاده شود.

Someone has taken my money, **haven't they?**

توضیح: در گرامر زبان انگلیسی یک جمله مثبت، سؤال ضمیمه منفی می‌گیرد. در این حالت برای کلمه **someone** از ضمیر فاعلی **they** استفاده می‌کنیم که در این صورت به جای **has** باید از فعل **have** استفاده شود.

Nothing can happen, **can it?**

توضیح: در گرامر زبان انگلیسی یک جمله منفی، سؤال ضمیمه مثبت به کار می‌رود. در این سوال چون کلمه **nothing** منفی است سوالی کوتاه باید به صورت مثبت به کار رود. در این حالت برای کلمه **Nothing** از ضمیر فاعلی **it** استفاده می‌کنیم.



صرف دم گوشتی

سوالات امتحان نهایی از این بخش به چه صورت طراحی می‌شود؟

مدل اول:

Kate forgot to feed the chickens,?

پاسخ: didn't she / کیت فراموش کرد که به مرغ‌ها غذا بدهد، مگر نه؟

توضیح: یک جمله مثبت، سؤال ضمیمه منفی می‌گیرد. در سوالات ضمیمه، وقتی که فعل جمله اصلی در زمان گذشته ساده (forgot) است، ما از did برای سؤالی کردن استفاده می‌کنیم. در این حالت بعد از جمله اصلی، ابتدا فعل کمکی منفی به صورت مخفف نوشته شده (didn't) و سپس ضمیر فاعلی (she) به کار می‌رود.

مدل دوم:

They invited you to their party,?

(انسانی و معارف - فردا ۱۴۰۰)

a. do they

b. didn't we

c. didn't they

d. don't you

پاسخ: didn't they / c / آن‌ها شما را به مهمانی اشان دعوت کردند، مگر نه؟

توضیح: یک جمله مثبت، سؤال ضمیمه منفی می‌گیرد. در سوالات ضمیمه، وقتی که فعل جمله اصلی در زمان گذشته ساده (invited) است، ما از did برای سؤالی کردن استفاده می‌کنیم. در این حالت بعد از جمله اصلی، ابتدا فعل کمکی منفی به صورت مخفف نوشته شده (didn't) و سپس ضمیر فاعلی (they) به کار می‌رود.

مدل سوم:

Youyour homework, have you? (to do)

پاسخ: haven't done / شما تکلیفتان را انجام ندادید، مگه نه؟

توضیح: یک جمله منفی، سؤال ضمیمه مثبت می‌گیرد. در سوال فوق، سوال ضمیمه مثبت است؛ پس باید جمله اصلی را به صورت منفی بنویسیم. در سوالات ضمیمه، وقتی که فعل جمله اصلی در زمان حال کامل است، ما از have/has برای سؤالی کردن استفاده می‌کنیم. در سوال فوق، از have در سوال ضمیمه استفاده شده است؛ پس جمله اصلی باید به صورت have + P.P به کار رود. شکل سوم فعل do نیز done است بنابراین جواب have done می‌شود.

گرامر - بخش دوم

معلوم و مجهول (درس اول و سوم دوازدهم)

جمله معلوم: جمله‌ای است که فاعل آن مشخص باشد.

Saeed opened the door.

سعید در را باز کرد. (سعید فاعل فعل باز کردن است)

جمله مجهول: جمله‌ای است که فاعل آن مشخص نباشد.

The door was opened.

در باز شد. (فاعل مشخص نیست. نمی‌دانیم چه کسی در را باز کرده است.)

چه وقت از جمله مجهول به جای جمله معلوم استفاده می‌کنیم؟

★ زمانی که انجام کار مهم باشد نه فاعل آن.

My bag was found yesterday.

دیروز کیفم پیدا شد. (آنچه مهم است پیدا شدن کیف است.)

★ زمانی که نمی‌خواهیم شنونده، فاعل را بشناسد، یا به عبارت دیگر، نمی‌خواهیم فاعل را معرفی کنیم

The window was broken last night.

دیشب شیشه شکسته شد.

★ زمانی که اصولا فاعل را نمی‌شناسیم.

This building was built in ۱۹۰۰.

این ساختمان در سال ۱۹۰۰ ساخته شد.